

برای اصلاح الگوی مصرف چه باید کرد؟

<?xml encoding="UTF-8?">

دعوت و فراخوان رهبری در زمینه «اصلاح الگوی مصرف»، همه علاقمندان انقلاب اسلامی را به تکاپوی فکری و عملی واداشت و امواجی از بیداری و تلاش پدید آورد. هدایت این امواج مقدس و هماهنگ سازی این تلاشها، به برنامه ریزی، سازماندهی، تصمیم گیری و نظارت و تفکیک دقیق مسئولیتهای نیاز دارد. در بخش فردی، هر انسان خردمند و هر مسلمان اندیشمندی باید برای زندگی خود برنامه ریزی کند و میزان تولید و مصرف و دخل و خرج خویش را محاسبه نماید و به قول شاعر:

بر احوال آن کس ببايد گريست
که دخلش بود نوزده خرج بيست

در بخش «اقتصاد خانواده»، تأمین زندگی خانواده و تربیت اعضا، به گونه ای که سلامت جسمی، امنیت روانی و رشد فرهنگی خانواده فراهم شود، رسالتی مهم است که مدیر خانواده و هر کدام از اعضا باید بخشی از مسئولیت را بر عهده گیرند و در تولید و مصرف، اصل خردورزی و دوراندیشی را رعایت کنند و از هجوم فقر و بیداد به کانون خانواده پیشگیری نمایند.

در سطح اقتصاد کلان، همکاری دولت و ملت و همفکری اندیشمندان و مدیران اجرایی، می تواند عزت و استقلال و امنیت و عدالت را پاسداری کند و برنامه ریزی جامع و دلسوزانه و آگاهانه، ضامن اصلاح الگوی تولید و توزیع و مصرف در سطح ملی و بین المللی است. اصلاح الگوی مصرف در سطح کلان نیازمند برنامه ای جامع از تغییر و تحولات گوناگون است که در اینجا به فهرستی از ابعاد و عناصر اصلاح اشاره می شود:

1. اصلاح اندیشه ها و جهان بینیها؛
2. اصلاح انگیزه ها و اهداف و آرمانها؛
3. اصلاح عاداتها و سنتها؛
4. اصلاح قوانین و مقررات؛
5. اصلاح ساختارهای اجرایی و اداری؛
6. اصلاح روشهای آموزشی، پژوهشی و اجرایی؛
7. اصلاح امیال و خواسته ها و احساسات و عواطف عمومی؛
8. اصلاح ذائقه ها و نگاهها؛
9. اصلاح و تغییر ابزارها و وسائل تولید و توزیع و مصرف؛
10. اصلاح رسانه ها و ابزارهای ارتباط و پیام رسانی.

تحول مثبت و منفی در هر کدام از ابعاد فوق، در اصلاح و افساد نظام تولید و توزیع و مصرف، نقش بنیادی دارد. فراهم آوردن مقدمات و ملزومات ضروری برای اصلاح الگوی مصرف، وظیفه ای چند بعدی است که فرد و خانواده و گروهها و دولت در آن نقش دارند. مدیران خانواده ها در قلمرو اختیارات و نفوذ والدین، مسئولان نهادها و

ادارات و کارخانه ها و واحدهای تجاری و تولیدی در حوزه امکانات و مدیریت محدود و گسترده آنان، همه و همه متعهد و مسئولیم. مثلاً هر کدام از مبلغان گرامی در زندگی شخصی، زندگی خانوادگی و قلمرو مدیریتهای تبلیغی، آموزشی، پژوهشی و سیاسی، اجتماعی خویش مسئول اند و باید با برنامه ریزی خردمندانه و دین مدارانه، نظام مصرف خویش را اصلاح کنند.

البته بزرگان روحانیت در طول تاریخ، در زهد و وارستگی و تلاش و خدمت رسانی، الگوی شاخص امت اسلامی بوده و در هر گونه اصلاح راستین، پیشگام و راهنما و نمونه های مجسم بوده اند.

روحانیت شیعه براساس رهنمودهای قرآن و سنت و سیره عترت، معلمان زهد و ساده زیستی و الگوی کم خرجی و پرکاری (قلیل المؤمنة و کثیر المعونة) بوده اند. زی طلبگی افتخار عالمان و فاضلان و پرورش یافتگان دامن حوزه هاست. گرچه همیشه این خطر وجود دارد که برخی حوزویان هم چون دیگر اقشار اجتماعی در دامن رفاه و تنعم بلغزند و وقتی دنیا به آنان روی می آورد، در درجه اشراقیگری و اتراف و اسراف فرو افتند.

پرورش یافتگان حوزه ها خود کم تر تحت تأثیر جاذبه های رفاه و تجمل و خوشگذرانی قرار می گیرند؛ ولی خانواده ها و فرزندان و وابستگان آنان، ممکن است به دلیل معاشرت با مستکبران و دنیازدگان و رفاه گرایان، از زهد و ساده زیستی، فاصله بگیرند و از شیوة قناعت و ساده زیستی و «حیات طیبه» و دلپذیر دور شوند. روحانیون و مسئولان به دلیل نقش الگویی و تأثیرگذار آنان در زندگی دیگران شدیداً نسبت به کم و کیف مصرف و سطح زندگی مسئول اند.

زهد و وارستگی، شرط صلاحیت رهبران فکری و فرهنگی و سیاسی جامعه اسلامی است و خداوند بر همه پیامبران خویش شرط کرده که نسبت به زر و زیور و تشریفات و لذایذ زندگی زاهد باشند و چشم طمع بر مال و منال و جاه و جلال دنیوی ندوزند. [1]

«و شَرَطْتُ عَلَيْهِمُ الرُّهْدَ فِي دَرَجَاتِ هَذِهِ الدُّنْيَا الدَّنِيَّةِ وَ زُخْرِفِهَا وَ زِبْرِجِهَا، فَشَرَطُوا لَكَ ذَالِكَ؛ [2] در درجات این دنیای پست و زینت و زیورهایش، زهد را بر آنان شرط کردی و آنها پذیرفتند.»

در میان همه پیامبران، تنها سلیمان شکوه و جلالی داشت، او هم به تعبیر امام صادق (ع) به مهمانان، گوشت و نان از مغز گندم سبوس گرفته می داد. خانواده اش نان گندم سبوس دار می خوردند. و خودش نان جوین سبوس نگرفته میل می کرد. [3]

در ارشاد القلوب دیلمی آمده است که سلیمان با همه جاه و جلال، جامه موپین می پوشید. و شبها دست به قنوت بر می داشت و تا صبح در محضر الهی گریه می کرد. غذایش از درآمد زنبیلهای برگ خرما بود که خودش می بافت. حکومت را برای این از خدا درخواست کرد که پادشاهان کفر را مغلوب سازد. [4]

اصلاح الگوی مصرف از طریق اصلاح فرهنگی و اخلاقی و سیاسی، شکل می گیرد. بنابراین اصلاح نظام مصرف در سطح کشور و جهان، اقدامی فوری و ضربتی و زود بازده نیست، از اصلاح جهان بینی تا اصلاحات اقتصادی، فاصله ای طولانی وجود دارد که سال جاری (1388 ش) نقطه آغاز و مبدأ این حرکت همه جانبه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی است.

در تفکر رهبری، اصلاح الگوی مصرف، تنها یک اقدام اقتصادی نیست؛ بلکه اقدامی است که آثار معنوی، سیاسی، فرهنگی و البته پیامدهای اقتصادی و اجتماعی دارد و به عزت و عظمت امت اسلامی مربوط است.

حوزه ها و اصلاح الگوی مصرف

در قلمرو فعالیتهای حوزه، اسراف در نیروی انسانی و عدم بهره گیری درست از استعدادهای فراوان، یکی از بزرگ ترین مشکلات و عیوب کنونی است. چه بسیار نیروها که راکد می مانند. چه بسیار نیروها که در وسط راه متوقف می شوند. چه بسیار نیروها که در جایگاه مناسب قرار نمی گیرند. چه بسیار نیروهایی که بدون جهت حذف می گردند.

اگر عمر و وقت انسانها و به ویژه جوانان، ارزشمندترین گوهر زندگی و طلای انسانی است، اصلاح متون آموزشی، اصلاح و تکمیل مواد و متون درسی، اصلاح نظام پژوهشی، اصلاح روشهای تدریس و پژوهش و پرداخت شهریه و توزیع عادلانه حوزویان در قلمرو آموزشی و تحقیق و تدریس و تبلیغ، براساس نیازهای امت اسلامی، از ضروری ترین اقدامات اسلامی در حوزه هاست.

وجود مردودی در نظامهای آموزشی، به معنای اسراف و تبذیر در نیروی انسانی و امکانات کشوری است. وجود تجدیدی در حوزه و دانشگاه و آموزش و پرورش به معنای دوباره کاری و اتلاف نیرو و هدر رفتن امکانات است. فعالیتهای موازی در قلمرو پژوهشی و اطلاع رسانی و نگارشی در سطوح واحد و زبان واحد، از دیگر نمونه های اسراف و تبذیر در نیروی انسانی حوزه هاست.

در سیاستهای نظام سرگرم کردن میلیونها جوان به تماشای مسابقات ورزشی ایران و جهان از بزرگ ترین اسرافهای جاری دنیای کنونی است.

روحانیت نه خود باید اسراف کند، نه اسراف و تبذیر به زندگی خانوادگی او راه یابد و نه در برابر اسراف و تبذیر در سطح کشور و جهان ساکت باشد.

اسراف در عمر کارمندان و عدم بهره گیری از نیروی انسانی کشور مشکلی است که وجدان بسیاری کارمندان متدین را می آزارد و از اسرافهای معمول و مشهور در نظام اداری است؛ به طوری که نه دولت از کارایی کارمندان راضی است و نه کارمندان احساس خدمت و رضایت دارند.

روشهای سنتی و عدم بهره گیری از تکنولوژی و ساختارهای ماشینی در پژوهش، اطلاع رسانی، تبلیغ و امور اداری نوعی دیگر از اسراف است که جامعه را با کمبود نیرو و اتلاف وقت و تعویق و تأخیر در پرورش نیروی انسانی مورد نیاز کشور مواجه می سازد.

وجود صفرهای زاید در نظام پولی کشور که سبب افزایش چاپ اسکناس و اتلاف بودجه و وقت محاسبات و عدم دقت در آن می شود، یکی دیگر از اسرافهای مشهود و سراسری جامعه است.

تخصیص بودجه و کاستن مالیات از حقوق کارمندان که دولت می تواند حقوق خالص کارکنان خویش را محاسبه کند و وقت خود و مردم را به محاسبه بی ثمر پرداخت و دریافتهای بی جهت نگیرد، نمونه ای دیگر از ضعف روشهای اداری و اتلاف بودجه و نیروی انسانی است.

روحانیت همان گونه که نسبت به منکرات عقیدتی و اخلاقی حساس است، باید نسبت به اسراف و تبذیر بیت المال احساس مسئولیت کند و از حق محرومان دفاع نماید.

اصلاح الگوی مصرف از طریق اصلاح فرهنگی و اخلاقی و سیاسی، شکل می گیرد

اصلاح الگوی مصرف بیت المال

تشریفات و تجمّلات و تغییر دکوراسیون و هزینه های زاید درادارات و بانکها و بیمه ها و ... یکی دیگر از مصادیق اسراف و تبذیر در بیت المال مسلمین است. همان بیت المال که امیرالمؤمنین(ع) درباره اش به یکی از کارگزارانش چنین نوشت:

«أَدِقُّوا أَفْلَامَكُمْ وَ قَارِبُوا بَيْنَ سَطُورِكُمْ وَ اخْذِفُوا عَنِّي فُضُولَكُمْ وَ اقْصِدُوا قَصْدَ الْمَعَانِي وَ إِيَّاكُمْ وَ الْإِكْثَارَ فَإِنَّ أَمْوَالَ الْمُسْلِمِينَ لَا تَحْتَمِلُ الْإِضْرَارَ؛ [5] نوک قلمها را نازک کنید. سطرها را نزدیک به هم بنویسید! حرفهای زائد را از گزارش به من حذف کنید! معنا و مقصود را در نظر بگیرید، از پرنویسی و پرگویی بپرهیزید؛ زیرا اموال مسلمانان تاب این زیانها را ندارد.»

وقتی انسان در اموال شخصی و خصوصی و دستاورد خویش حق اسراف و تبذیر و مصرف گرایی ندارد، ولخرجی در اموال عمومی و حقوق ایتم و محرومان و از کار افتادگان چه حکمی خواهد داشت؟ عالمان دین حق ندارند نسبت به لایحه بودجه و موارد درآمد و هزینه های مندرج در آن سکوت کنند. بسیاری از بودجه های ورزشی و میراث فرهنگی و گردشگری و همایشها و سفرهای خارجی و جشنواره های گوناگون، نمونه های حراج بیت المال و حیف و میل اموال عمومی است.

مشروعیت و اولویت وجود هر کدام از ادارات و نهادها و ارگانها - که از بودجه عمومی تغذیه می کنند - و نوع فعالیت های آنان باید اثبات شود، تا تخصیص بودجه به آن نهاد و آن کار مشروع باشد.

مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان به همان میزان که نسبت به اسلامی بودن قوانین مسئول اند، در تخصیص بودجه به کارها و نهادها نیز مسئولیت دارند. دریافت و پرداخت های غیر منطقی به دستگاهها و بخشها، ریشه انحراف در الگوی مصرف است.

بودجه هایی که از طرق لایحه بودجه و توسط دولت به وزارتخانه ها و ادارات و نهادها اختصاص می یابد، گاهی در مسیر اهداف و مأموریتها و سیاستها هزینه نمی گردد و به بیراهه کشیده می شود. مصرف شدن بودجه در مسیرهای انحرافی و ناهماهنگ با اهداف و سیاستها علل و عوامل مختلفی دارد:

1. عوامل انسانی؛

2. عوامل ساختاری؛

3. عوامل قانونی.

برای «اصلاح الگوی مصرف» در نظام اداری، تحول بنیادی در عوامل سه گانه ذیل ضرورت دارد: تحوّل در نظام استخدام و عزل و نصب کارکنان و مدیران دولتی. تحول در ساختارها و چارت تشکیلاتی و نظام فرماندهی و فرمان پذیری کارکنان دولت. تحول در قوانین و مقررات دست و پاگیر و روش تخصیص بودجه به ادارات و نهادها و کارها.

شناخت علل بیماری و راههای درمان، پیش شرط اصلاح الگوی مصرف است. توجیه لازم مدیران نسبت به اهداف و سیاستهای حاکم بر بودجه، عزل و نصب مدیران براساس هماهنگی با اهداف و آرمانهای دولت اسلامی، نظارت دقیق بر روش هزینه شدن بودجه های تخصیص یافته به ادارات و نهادها و فعالیتهای پروژه ها، تشویق و تنبیه کارمندان و کارکنان براساس میزان تحقق اهداف و آرمانها و انجام وظایف، گامهایی به سوی «اصلاح الگوی مصرف» بیت المال و شیوه هزینه شدن اموال عمومی است.

فرهنگ احتیاط بیش تر و احساس مسئولیت سنگین تر در مصرف بیت المال و اموال عمومی باید جایگزین

ولخرجی و ساده انگاری و تلاش برای تصاحب سهمی بیش تر از بیت المال شود. به یاد آوریم که امیرالمؤمنین علی(ع) در زمینه اموال به غارت رفته بیت المال چنین فرمود:

روحانیت همان گونه که نسبت به منکرات عقیدتی و اخلاقی حساس است، باید نسبت به اسراف و تبذیر بیت المال احساس مسئولیت کند و از حق محرومان دفاع نماید

«وَاللّٰهُ لَوْ وَجَدْتُهُ قَدْ تَزَوَّجَ بِهِ النِّسَاءَ وَ مَلَكَتْ بِهِ الْاِمَاءَ لَرَدَدْتُهُ فَاِنَّ فِي الْعَدْلِ سِعَةً وَ مَنْ صَاقَتْ عَلَيْهِ الْعَدْلُ، فَالْجُورُ عَلَيْهِ اَضْيَقُّ، به خدا سوگند اگر آن اموال را مهر زنان و قیمت کنیزکان خویش هم کرده باشند باز پس می گیریم؛ زیرا در عدالت گشایش [برای همه] است و هر کس از اجرای عدالت احساس فشار و سختی کند، تحمل ستم بر او دشوارتر [و سخت تر] خواهد بود.»

ابن عباس می گوید: امیرالمؤمنین 7 این جمله را در روز دوم خلافت خویش در سال 35 هجری بیان فرمود. [6] امروز که دولتی با شعار عدالت و مهریزی و تعالی اخلاقی بار دیگر به میدان آمده است، وظیفه همه و در صدر همه، وظیفه روحانیان و مبلغان گرامی است که آن را یاری و حمایت کنند و خطاهای آن را برادرانه اصلاح کنند.

پی نوشت ها :

[1]. «و لَا تَمْدَنَّ عَيْنَيْكَ إِلَى مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَ رِزْقَ رَبِّكَ خَيْرٌ وَ أَبْقَى »؛ «و هرگز چشمان خود را به نعمتهای مادی، که به گروههایی از آنان دادیم، میفکن. اینها شکوفه های زندگی دنیاست تا آنان را در آن بیازماییم و روزی پروردگارت بهتر و پایدارتر است.» طه / 131.

[2]. دعای ندبه.

[3]. قال الصادق (ع): «كَانَ سُلَيْمَانُ يُطْعِمُ أَضْيَافَهُ اللَّحْمَ بِالْحَوَارَى وَ عِيَالَهُ الْخَشْكَارَ وَ يَأْكُلُ هُوَ الشَّعِيرَ غَيْرَ مَنْخُولٍ» سفینه البحار، ج2، ص251.

[4]. بحار الانوار، ج 14، ص83.

[5]. بحار الانوار، چاپ بیروت، ج 41، ص105.

[6]. نهج البلاغه، ترجمه مرحوم دشتی، خ 15، ص 58.